



## پیروزی انقلاب نشان داد، اسلام ظرفیت مبارزه با امپریالیسم را دارد

مسعود رضایی گفت: پیروزی انقلاب به رهبری امام خمینی (ره) نشان داد اسلام ظرفیت مبارزه با امپریالیسم را دارد. این رویداد سبب شد نگاه دنیا به اسلام تغییر کند و نگاه جدیدی شکل بگیرد.

مسعود رضایی گفت: پیروزی انقلاب به رهبری امام خمینی (ره) نشان داد اسلام ظرفیت مبارزه با امپریالیسم را دارد، این رویداد سبب شد نگاه دنیا به اسلام تغییر کند و نگاه جدیدی شکل بگیرد.

خبرگزاری مهر - گروه دین و آیین- زینب حسینی روش: انقلاب اسلامی ایران، نهضتی بیدارگرانه است که بی شک در بیداری بسیاری از نهضت های اسلامی و جنبش های دینی، اصلی ترین و اصیل ترین نقش را در دهه های اخیر ایفا کرده است. تنها انقلاب حقیقی دینی که بر اساس اندیشه ها و آموزه های اسلام ناب محمدی شکل گرفت. از این رو، انقلاب اسلامی ایران را نمی توان با انقلاب های مدرن سنجد، زیرا از لحاظ مبادی و غایات نظری و نیز ماهیت عملی خود بی بدیل است. تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سطح منطقه و جهان، از مهم ترین موضوعاتی است که امروزه، بیش از پیش، در کانون توجه قرار دارد و با گذر از مرزهای مدرنیته، به الگویی مانا و پویا، با صبغه و وجهه دینی-معنوی، تبدیل شده و به جان و نهاد انسان گم شده دوران مدرن پیوند خورده است. بر همین اساس با مسعود رضایی پژوهشگر تاریخ معاصر به گفتگو پرداختیم تا تأثیر انقلاب اسلامی بر گسترش روح و فرهنگ دینی در جهان را واکاوی کنیم که حاصل آن را در ادامه می خوانید:

\*ابتدا از شکل گیری و ماهیت انقلاب اسلامی بفرمائید؟

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ رویدادی استثنایی و بسیار قابل توجه بود به این دلیل که در دنیای آن روز دو قطب عمده وجود داشت که جهان را به لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی بین خود تقسیم کرده بودند. یکی از این دو قطب، قطب سرمایه داری و دنیای غرب و دیگری قطب کمونیستی، سوسیالیستی و دنیای شرق بود. این دو قدرت جهانی با یکدیگر در عرصه های مختلف از جمله عرصه فرهنگی و عقیدتی، جنگ و رقابت بسیار گسترده و شدیدی داشتند. هر کدام از آنها سعی می کردند بخش های بیشتری از جوامع بشری را تحت سلطه و نفوذ فکری خود بگیرند.

در چنین شرایطی خیزش هایی در جهان مقابل سلطه گری دنیای غرب صورت می گرفت و تفکرات کمونیستی مارکسیستی توانسته بود به عنوان یک تفکر مبارز علیه دنیای سرمایه داری و غرب در بین برخی جوامع نفوذ پیدا کند. این اتفاق در مناطق مختلف دنیا از جمله آمریکای لاتین، اروپای شرقی، خاورمیانه، آفریقا و بخش هایی از آسیا رخ داده بود. دو کشور شوروی و چین نیز دارای تفکرات مارکسیستی بودند. تفکرات مارکسیستی در بین جنبش های آزادی بخش، حرکت های ملی ضد استعماری و ملت هایی که می خواستند خود را از زیر سلطه آمریکا و غرب نجات بدهند به شدت نفوذ کرده بود.

ایران نیز از این اتفاق مستثنی نبود. اولین حزب کمونیست در ایران در سال ۱۲۹۹ رسماً راه اندازی شد و تفکرات مارکسیستی از آن زمان با شدت بیشتری وارد ایران شد. با تشکیل حزب توده در سال ۱۳۲۰ مرکزی برای توسعه و ترویج تفکرات مارکسیستی در کشور به وجود آمد.

در آن دوران معمولاً توقع از انقلاب ها این بود که در چارچوب تفکرات مارکسیستی به پیروزی برسند، اما در ایران نهضت امام خمینی (ره) بر اساس و مبنای دین در سال ۴۱ آغاز شد و حرکت جدیدی را در جامعه اسلامی آن برهه به جریان انداخت

انقلاب اسلامی ایران از این جهت پدیده ای نو، قابل توجه و استثنایی بود. در آن دوران معمولاً توقع از انقلاب ها این بود که در چارچوب تفکرات مارکسیستی به پیروزی برسند، اما در ایران نهضت امام خمینی (ره) بر اساس و مبنای دین در سال ۴۱ آغاز شد و حرکت جدیدی را در جامعه اسلامی آن برهه به جریان انداخت.

در دوران شکل گیری انقلاب اسلامی متن جامعه ایران مسلمان مذهبی و اکثریت شیعه بودند اما وضعیت به گونه ای بود که تفکر و نگرش انقلابی در میان مردم آنگونه که باید و شاید وجود نداشت. رژیم پهلوی نیز بعد از کودتای سال ۱۳۳۲ از استحکام نسبتاً خوبی برخوردار شده بود و حمایت آمریکا را از خود داشت، ظاهر شرایط اینگونه بود که مسیر برای تسلط کامل شاه و آمریکا بر کشور و جامعه ایران کاملاً هموار است.

امام خمینی (ره) با اشراف کامل بر شرایط زمان و با علم بر اینکه برنامه ها و سیاست های آمریکا و انگلیس در ایران کاملاً به

دست رژیم پهلوی در حال اجرا است، حرکت خود را برای جلوگیری از تعمیق و تسلط سیاست های غربی در کشور آغاز کردند. در آن زمان بسیار از بزرگان و مردم تصور نمی کردند انقلاب امام به پیروزی برسد و احساس شان این بود که آمریکا و رژیم پهلوی آنقدر مستحکم هستند که به آسانی می توانند حرکت امام را سرکوب کنند. در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با سرکوب خونین قیام مردمی در حمایت از حضرت امام، رژیم پهلوی نشان داد که با هر گونه حرکت مخالف خود و معترض به آمریکا و غرب برخورد خشونت آمیزی خواهد داشت. در ادامه همین مسیر نیز هنگامی که در آبان ۱۳۴۳ حضرت امام در مقابل لایحه کاپیتولاسیون ایستادند، با تبعید ایشان عزم خود را برای استمرار پیوند وابستگی با آمریکا نشان داد. در این شرایط به نظر می رسید کار نهضتی که حضرت امام آغاز کرده اند به نقطه پایان رسیده و همه امور کاملاً در اختیار آمریکا و رژیم پهلوی است.

آمریکا و دنیای غرب در حمایت از شاه، علاوه بر مسائل سیاسی و اقتصادی، در حوزه فرهنگی نیز با هدف دین زدایی و اسلام زدایی به شدت فعال بودند. البته در بخشی از اقشار نیز به موفقیت دست پیدا کرده و توانسته بودند برخی از مردم را به سمت اینگونه تفکرات، رفتارها و آداب و رسوم غربی و ضد اسلامی سوق بدهند. اما با افزایش تحرکات ضد اسلامی رژیم پهلوی در ایران، احساسات دینی مردم ایران را بشدت تحریک کرد و این احساس در آنها اوج گرفت که رژیم پهلوی به دنبال ستیز با اسلام است. همین مسئله باعث شد اقشار بسیار وسیعی از مردم احساس تقابل با نظام را پیدا کنند و این زمینه ذهنی، شرایط خوبی را برای بسط و گسترش تفکرات انقلابی امام (ره) به وجود آورد. یعنی در حالی که رژیم پهلوی تصور می کرد با تحرکات ضداسلامی خود در حال از بین بردن آخرین ریشه های دین و قیام انقلابی در بین مردم است، یک حرکت معکوس در جامعه شروع به رشد و گسترش کرد.

در چنین وضعیتی رفتارهای سیاسی و اقتصادی رژیم پهلوی و وابستگی شدید این رژیم به غربی ها مزید بر علت شد. مردم از این مسئله ناراحت بودند که رژیم حاکم بر ایران که ادعای قدرت و بزرگی در منطقه خاورمیانه دارد نوکر آمریکا است. این احساس مردم به ویژه جوانان و دانشجویان را رنج می داد. اوضاع به همین منوال ادامه پیدا کرد تا سال ۱۳۵۶ که اوج سیاست های ضد اسلامی رژیم پهلوی و اوج وابستگی این رژیم به آمریکا بود. در چنین وضعیتی رژیم پهلوی با معضلات و مشکلات اقتصادی، افزایش نرخ تورم و قیمت ها و فشار اقتصادی بر مردم مواجه شد. همه این شرایط دست به دست هم داد و زمینه برای جوشش تفکر انقلابی امام (ره) در بین مردم مهیا شد. تفکر انقلابی امام راحل بر این اساس بود که ما می توانیم با تمسک به اسلام، نظامی مستقل و غیر وابسته به آمریکا را تشکیل دهیم و در عین حال در زمینه های اقتصادی، نظامی و فرهنگی به پیشرفت و توسعه مستقل از استکبار و امپریالیسم دست یابیم. اوج گیری این تفکر انقلابی امام راحل در جامعه بود که نهایتاً به پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد.

\*دین در این دوران در بسیاری از جوامع، منزوی و یا به صورت مراسم و اعمال عبادی فردی مطرح بود؛ زیرا نظریه سکولاریسم که بر جدایی دین از سیاست تأکید داشت، دین را از زندگی کنار زده بود. در نظام های کمونیستی نیز دین افیون ملت ها خوانده می شد؛ اما مردم ایران با این تفکر که بر مبنای اسلام می توان به وضعیت بهتری در تمامی زمینه ها دست پیدا کرد، انقلاب را به ثمر رساندند و یک رژیم کاملاً وابسته به آمریکا را که تصور می کرد در اوج قدرت است از کار برکنار کرده و نظامی انقلابی و اسلامی در کشور برپا کردند؛ بفرمائید این انقلاب اسلامی چه تأثیر و نقشی در نگاه جهان به دین داشت؟

با پیروزی انقلاب اسلامی بود که چشم دنیا به این اتفاق خیره ماند و برای جهانیان جای سوال بود اسلامی که به نظر می رسید مجموعه ای از آداب و رسوم شخصی باشد چگونه می تواند چنین حرکت چشمگیری را انجام بدهد و پایگاه کاملاً استراتژیک آمریکا و دنیای غرب در خاورمیانه را به تسخیر خود درآورد؟

در آن دوران تحلیل های بسیار زیادی در شناخت ظرفیت انقلابی اسلام صورت گرفت و انقلاب اسلامی ایران مورد توجه همه دنیا به خصوص ملت ها و کشورهای اسلامی قرار گرفت. در همان زمان در کشورهای اسلامی حرکت های انقلابی برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا وجود داشت، در منطقه خاورمیانه جنگ با اسرائیل و حرکت های مسلحانه مطرح بود اما عمده این حرکت ها تحت نفوذ تفکرات مارکسیستی بودند. حتی در سازمان آزادی بخش فلسطین عمده گرایش ها و تفکرات متعلق به این گونه تفکرات بود. در کشورهای مختلف خاورمیانه مانند مصر، سوریه و عراق که در مسیر مبارزه با آمریکا بودند باز هم تفکرات سوسیالیستی و مارکسیستی بسیار شدیدی وجود داشت. اگر چه نام این کشورها اسلامی بود اما اثری از اسلام به عنوان یک تفکر انقلابی و ایدئولوژی که می تواند به مبارزه با امپریالیسم بپردازد و آن را منکوب کند، وجود نداشت.

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) که شخصیتی کاملاً مذهبی و دینی بود، توجهات تمامی متفکران دنیای شرق و غرب را بخود جلب کرد. به این دلیل که آنها مشاهده کردند اتفاقی بسیار مهم بر مبنای دین اسلام و به خصوص مذهب تشیع رخ داده است. باید این اتفاق مهم را تجزیه و تحلیل می کردند تا بفهمند اجزای این تفکر چیست و چگونه توانسته است ملت بزرگی را که تحت شدیدترین سلطه سیاسی، نظامی و فرهنگی بود از زیر بار چنین سلطه ای آزاد کند. نگاهی به سیر مقالات و کتاب های دهه هشتاد میلادی نشان می دهد که به یک باره اوج چشمگیری از مطالب در پی تبیین و تشریح انقلاب اسلامی

توسط نویسندگان غربی و شرقی و متعلق به تفکرات مختلف به نگارش درآمده است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران این پیام را به ملت های مسلمان و غیر مسلمان داد که در دنیای امروز غیر از مارکسیسم، تفکر، ایدئولوژی و راهکار دیگری نیز برای مبارزه با آمریکا وجود دارد و آن اسلام است، اسلامی که امتحان موفقی در این زمینه داده است.

\*این اتفاق چه تأثیری بر رویکرد دینی جهانی داشت؟

اگر سال ها در آمریکای لاتین بر مبنای تفکرات مارکسیستی با آمریکا مبارزه می کردند یا در خاورمیانه بر مبنای تفکرات سوسیالیستی به مبارزه با اسرائیل می پرداختند و به موفقیت نمی رسیدند، پیروزی انقلاب اسلامی به دنیا نشان داد در ایران مردم بر مبنای اعتقادات، اصول و مبنای اسلامی حرکت انقلابی خود را آغاز کردند و قوی ترین پایگاه آمریکا در منطقه را از دست آمریکا درآوردند و حاکمیت مستقلانه خود را بر کشورشان ایجاد کردند. انقلاب اسلامی ایران نمونه یک حرکت انقلابی موفق بود.

هر جای دنیا که اتفاق موفقی در هر زمینه ای رخ بدهد چشم دیگر ملت ها به سمت آن جلب می شود. برای مثال اگر کشوری در یک دهه پیشرفت جدی در حوزه اقتصادی داشته باشد ملت های دیگر متوجه آن شده و آن موفقیت را از جهات مختلف مورد بررسی قرار می دهند تا علت موفقیت را کشف کنند، در مورد آن تحقیق می کنند و کتاب می نویسند. بنابراین موفقیت های بزرگ، نظر نخبگان و ملت ها را به خود جلب می کند و به صورت یک الگو برای آنها درمی آید.

اگر سال ها در آمریکای لاتین بر مبنای تفکرات مارکسیستی با آمریکا مبارزه می کردند یا در خاورمیانه بر مبنای تفکرات سوسیالیستی به مبارزه با اسرائیل می پرداختند و به موفقیت نمی رسیدند، پیروزی انقلاب اسلامی به دنیا نشان داد در ایران مردم بر مبنای اعتقادات، اصول و مبنای اسلامی حرکت انقلابی خود را آغاز کردند و قوی ترین پایگاه آمریکا در منطقه را از دست آمریکا درآوردند

ایران تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و از کودتای ۱۳۹۹ که رژیم پهلوی بر مبنای سیاست های انگلیس روی کار آمد تا سال ۱۳۵۷ کاملاً و صددرصد در اختیار دنیای غرب بود. از زمانی که انقلاب سوسیالیستی در سال ۱۹۱۷ در شوروی به ثمر رسید، ایران به عنوان یکی از حلقه های بسیار مهم دیوار آهنین در مقابل نفوذ سوسیالیسم و مارکسیسم به سرزمین های جنوبی از سوی غربی ها در نظر گرفته شد. آمریکایی ها از سال ۱۳۳۲ به بعد بر نفت و امور نظامی ایران هم مسلط شدند و ایران تبدیل به مهمترین پایگاه آمریکا در منطقه شد. آمریکایی ها در سال ۱۹۷۹ در اوج جنگ سرد با شوروی قرار داشتند. اهمیت ایران برای آمریکا در آن دوران را باید بخوبی در نظر داشت. ایرانی کشوری بی اهمیت برای آمریکا نبود به طوری که می توان گفت ایران یکی از ایالت های آمریکا محسوب می شد. با توجه به همه شرایطی که در آن زمان بود چنین پایگاهی با انقلاب اسلامی از دست آمریکا خارج شد، طبیعی است که همه نخبگان دنیا و منطقه درباره این قضیه صحبت کنند.

از آنجایی که کشورهای منطقه یا وابسته به آمریکا بودند یا وابسته به شوروی، امواج انقلاب اسلامی در این کشورها بسیار شدید بود. انقلاب اسلامی موجب شد تفکرات استقلال طلبانه در این کشورها اوج پیدا کند، تفکراتی که این بار بر مبنای اصول مارکسیستی نبود بلکه الگوی جدید و موفقی بود بر مبنای اصول اسلام. بنابراین گرایش به سمت اسلام نه تنها به عنوان یک دین شخصی بلکه به عنوان دینی اجتماعی، سیاسی، انقلابی و ضد امپریالیستی در دنیا و به خصوص منطقه مطرح شد. بر خلاف آنچه تا آن زمان درباره اسلام تصور می شد، مشخص شد ظرفیت های بسیار گسترده ای در دین اسلام وجود دارد. در آن زمان ظرفیت مبارزه با امپریالیسم عمدتاً در تفکرات مارکسیستی دیده می شد و می گفتند اگر می خواهید با امپریالیسم مبارزه کنید یک راه بیشتر ندارد و آن این است که مارکسیست شوید.

اتفاقی که در سال ۱۳۵۴ در سازمان مجاهدین خلق افتاد نیز بر اساس چنین تفکری بود. سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۴۴ بر مبنای تفکرات اسلامی با هدف مبارزه با سلطه آمریکا در ایران و سرنگون کردن رژیم وابسته پهلوی بنیان گذاشته شد. آنها مبارزه خود را به صورت مسلحانه آغاز کردند، مدتی هم در این مسیر پیش رفتند اما بعد از آنکه در سال ۱۳۵۰ این سازمان توسط ساواک کشف شد و اعضای اولیه آن اعدام شدند آرام آرام این فکر در آنها به وجود آمد که اسلام ظرفیت مبارزه با امپریالیسم و آمریکا را ندارد و به همین خاطر به سمت الگوی جایگزین یعنی مارکسیسم رفتند و در سال ۱۳۴۵ رسماً تغییر ایدئولوژی دادند و مبارزات خود را در مسیر جدید ادامه دادند و البته به هیچ جا هم نرسیدند.

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) نشان داد اسلام ظرفیت مبارزه با امپریالیسم را دارد. انقلاب اسلامی توانست بزرگترین، قوی ترین و مهمترین پایگاه آمریکا در منطقه را به تصرف خود درآورد. پیروزی انقلاب نشان داد در اسلام علم مبارزه، انگیزه و روش های مبارزه وجود دارد و رهبری اسلامی، یک رهبری توانمند در برخورد با نظام سلطه جهانی است. انقلاب

اسلامی ایران نگاه به اسلام در دنیا را تغییر داد و موجب شد نگاه جدیدی شکل بگیرد.

نظام اسلامی ایران بعد از انقلاب نیز تحت شدیدترین فشارها از سوی آمریکا و متحدانش قرار گرفت. در مدت ده سال اول از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۸ آمریکا و شوروی کمونیستی اگرچه اختلافات فراوان و جدی با یکدیگر داشتند اما در یک مورد کاملاً با هم متحد عمل می کردند و آن فشار آوردن حداکثری به ایران بود که این کار به شیوه های مختلف و از جمله از طریق صدام و رژیم بعثی عراق صورت می گرفت. مقاومت نظام اسلامی در وقایع پس از پیروزی انقلاب اهمیت ویژه ای دارد و نشان داد تفکرات و انگیزه های اسلامی نه تنها در مسیر مبارزه و پیروزی به کار می آید بلکه در مسیر استمرار انقلاب و مقاومت در برابر فشارهای بسیار شدید امپریالیست ها نیز کارآمد است.

صیانت از اسلام به دو عامل مهم بستگی دارد؛ عامل اول بحث کارآمدی نظام است که به عملکرد مسئولین برمی گردد و عامل دوم جهاد فرهنگی در مقابل تهاجم فرهنگی است که باید نخبگان فکری و فرهنگی در این زمینه جلودار باشند

اگر ملت ایران در دوران جنگ تحمیلی توانست در برابر فشار فوق العاده سنگین نظامی و اقتصادی مقاومت کند و به پیروزی برسد جز این نبود که بر مبنای تفکرات اسلامی حرکت می کرد. انگیزه های اسلامی در طول سال های پس از انقلاب، در حقیقت منشأ نیروی مقاومت ملت ایران در برابر سلطه گران بین المللی بوده و هست. این مسئله را غربی ها به ویژه آمریکا به خوبی فهمیدند و به این نتیجه رسیدند که شکستن نیروی مقاومت ملت ایران جز با تهاجم فرهنگی میسر نیست. دشمنان خوب فهمیدند که تا این سرمایه فرهنگی و عقیدتی وجود دارد، تهاجم نظامی به جایی نخواهد رسید بنابراین به این نتیجه رسیدند که باید فرهنگ و اعتقادات مردم ایران را مورد تهاجم قرار بدهند و از این نتیجه در کشورهای دیگر نیز استفاده کردند. دشمنان سعی کردند در تفکرات ملت های مسلمان نفوذ کرده و آن را تضعیف و تحریف کنند و از شکل گیری یک نیروی انقلابی قدرتمند در بین ملت ها جلوگیری کنند.

نظام اسلامی و ملت ایران قدرت خود را در تمامی زمینه ها از اسلام گرفته و می گیرد. بنابراین این مسئله همواره باید مورد توجه قرار بگیرد که این سرمایه اسلام و عقاید اسلامی از جهاتی می تواند آسیب پذیر باشد و یکی از مهمترین این جهات عملکرد مسئولین است. برخی عملکردهای بد و نامناسب مسئولین، بروز فسادها و هر آنچه موجب وارد آمدن لطمه به مردم و منافع عمومی می شود، خواسته یا ناخواسته به پای اسلام گذاشته می شود و آثار سوئی بر افکار عمومی خواهد داشت. بنابراین مسئولین باید بسیار دقت داشته باشند و بهترین روش ها و سیاست ها را در پیش بگیرند و مراقب باشند از جانب بد عمل کردن آنها لطمه ای به اعتقادات اسلامی و دینی جامعه وارد نشود.

مسئله دیگری که می تواند به فرهنگ اسلامی کشور آسیب وارد کند، تهاجم فرهنگی است. شکی نیست که دنیای استکبار، الحاد و سلطه گران بین المللی تمام ظرفیت خود را برای ضربه زدن به اعتقادات اسلامی مردم ایران به کار گرفته اند و از تمامی روش ها و ابزارها در این راه استفاده می کنند. امروز شدیدترین و جدی ترین عرصه جنگ آمریکا و متحدانش علیه ایران، عرصه جنگ فرهنگی است. به ویژه با وجود ابزارهایی مانند شبکه های اجتماعی و فضای مجازی که امروزه در دسترس همگان است، با بیشترین قدرت در حال تهاجم هستند. در چنین شرایطی مردم نیز باید هوشیار بوده و نسبت به این تهاجم فرهنگی، تبلیغات مسموم، دروغ ها و جعلیات آگاهی داشته باشند. اقشار نخبه جامعه نیز وظیفه دارند در مقام تبیین مسائل جامعه برآمده و همان گونه که رهبر معظم انقلاب فرمودند باید جهاد تبیین در کشور راه بیفتد.

بنابراین صیانت از اسلام به دو عامل مهم بستگی دارد؛ عامل اول بحث کارآمدی نظام است که به عملکرد مسئولین برمی گردد و عامل دوم جهاد فرهنگی در مقابل تهاجم فرهنگی است که باید نخبگان فکری و فرهنگی در این زمینه جلودار باشند.